

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

تیمورشاه تیموری

پیر مرد

یادآوری یکی از هزاران واقعه پرتاب راکت‌های کور
بر شهر کابل

این حکایت شنیدم از یاران	قصه بینوای بی سامان
پیرمردی ردا بـ دوشی	جسم باریک و قامتی چو کمان
بـرف پیری فتاده بر رویش	نگهش سرد و پیکرش لرزان
رنگش از رنج زعفران گشته	دیده اش هرطرف بود حیران
زان لباسی که بود بر تن او	نیمه ای از بدن بـدش عـریان
پا ز پاپوش بود بی بهـره	دست بر دست داده و نـالان
گاه میگفت بـد مرا پسری	که مرا داشت دوست تر از جان
گاه میگفت دخترانم بود	که مرا بود عزت دوران
گاه میگفت طفلکانم کو؟	آن پرچهرگان حور و شان
پیر میگفت و زار مینالید	خون میکرد از تنش فوران
بار دیگر به نوحه کرد آغاز	کای مسلمان مردم افغان
نالۀ من چـرا نمیشنوید؟؟؟	من که پیر و زهیرم و حیران
خانه ام درگرفت و لانه بسوخت	زن و فرزند شد بخاک نهان
کور و کر گشتم از صدای مهیب	آفتی کـرد نزول بر مایان

از تمام شما طلب دارم قصه من کنید ورد زبان
یک به یک سانه بیان کنید زین جفاکاریهای اهل زمان
من برفتم خدای یاور تان صد چو من اینچنین بشد زجهان
پیر در لحظه ای که جان میداد گفت ای خالق زمین و زمان
عقل و فهمی نصیب ایشان کن
تا شوند پیرو حدیث و قرآن

(المان - 21 جنوری 2012)